

# مجله موسیقی

از انتشارات هنرهای زیبای کشور

شماره

۴۱

دوره سوم

اسفند ۱۳۴۸

چهره راستین « شوپن »

روز اول اسفندماه، که درست مصادف با یکصد و پنجاهمین سال تولد شوپن آهنگساز بزرگ است، به همین مناسبت از جانب کمیسیون ملی یونسکو در ایران مجلس یادبود باشکوهی در تالار دانشکده ادبیات ترتیب یافت. آقای دکتر هاگوپیان مدیر مجله ما در این مجلس سخنرانی نمود و آقای ملک اصلانیان استاد هنرستان عالی موسیقی بر نامه ای متشکل از قطعات آثار شوپن اجرا کرد. قسمتهایی از سخنرانی مدیر ما در اینجا عرضه می شود و مقاله های دیگری درباره شوپن بمناسبت سالگرد او در این شماره آمده است.

در میان هنرمندان بزرگی که قبول عام و شهرت جهانی یافته اند آثار و شخصیت کمتر کسی چون شوپن دستخوش تحریف و تعبیر نادرست گشته است. افسانه ای که درباره احوال و آثار او پرداخته اند یکی از موهومترین و مجعول ترین داستانهاست که در سرتاسر تاریخ هنر سراغ می توان گرفت.



تاجانی که اگر بگوئیم شوپن، با همه شهرت و محبوبیتی که دارد، هنرمندی ناشناخته باقی مانده سخنی بگزارف نرفته است. از همینرو، در این مجلسی که بمناسبت یکصد و پنجاهمین سال تولد او ترتیب یافته است، بهتر آن دیدم بجای اینکه یکبار دیگر بجزئیات ماجرای خیال انگیز و «رقت» بار زندگی شوپن اشاره کنم بکوشم تا اندکی از پرده ابهامی را که بیش از یک قرن است شخصیت و آثار او را پوشانده است بیکسو زنم؛ باشد که از این رهگذر سایه‌ای از چهره واقعی و ناشناخته او پدیدار گردد...

از تاریخچه زندگی شوپن بخصوص چند نکته مشهور خاص و عامست: یکی اینکه وی از پدری فرانسوی و مادری لهستانی زاده شده و - بجز چند مسافرت کوتاه - نیمی از ۳۹ سال عمر او در لهستان گذشت و نیم دیگر در پاریس سپری شد؛ دیگر اینکه زندگی او داستانهای عاشقانه پرماجرائی در بردارد که یا بناکامی انجامیده و یا موجب گفتگوی بسیار شده است. نکته دیگر اینکه شوپن به بیماری چانکاه سل مبتلا بود و در اثر همان هم، نابهنگام، در گذشت. این نکته را هم نباید از نظر دور داشت که شوپن در دوره‌ای می زیست که نهضت هنری رمانتیک در اروپا باوج خود می رسید، و هر آنچه نشانی از احساسات و خیال و وهم و رؤیا در برداشت مورد توجه بود.

در چنین شرایطی دیری نپایید که از شخصیت شوپن چهره مردی پرداخته شد که در اثر بیماری و درد غربت و ناکامی های عشقی از پای درآمد... داستانسرایان خیال‌باف و ناشران سودجوی نیز، در طلب موقعیتی سهل الوصول، چند واقعه بی اهمیت زندگی شوپن را، که جنبه احساساتی و رقت انگیزی داشت یا کنجکاوای عامه را می توانست برانگیزد، موضوع داستانسرایی و خیال‌بافی خود ساختند و در این راه حتی از تحریف حقایق مسلم تاریخی نیز خودداری نورزیدند. افسانه موهومی که اشاره شد بدینگونه پدید آمد. در این میان البته اهمیت و ارزش فنی و هنری آثار شوپن - که بی گمان یکی از بدیع ترین و ارجمندترین شخصیت های بزرگ تاریخ موسیقی است - کمتر مورد توجه قرار گرفت. آثار او را «موسیقی زنانه» خواندند و از آن میان قطعاتی بیشتر شهرت و رواج یافت که زیبایی و جنبه احساساتی سهل الوصول آن بر عمق و توانگریش می چربید و یا بداستانهای عوام فریب زندگیش

منسوب می نمود. بسیاری از کتابهایی که در شرح احوال شوپن نوشته شده و اغلب فیلمهایی که درباره او تهیه شده از این افسانه خیالی ریشه گرفته و جز تحریف شخصیت تاریخی و هنری شوپن حاصلی نداشته است.

تحقیقات علمی معتبری که بخصوص در سالهای اخیر بعمل آمده ثابت کرده است که بسیاری از نامه های شوپن و مدارک مختلف دیگری که در شرح احوال او مورد استفاده قرار گرفته جعلی و مشکوک است. دستخط آثار او نیز از حك و اصلاحات بی مورد مصون نمانده است. از این گذشته بنظر می رسد که شهادت یا نوشته های بعضی از نزدیکان او نیز نادرست و مشکوک باشد. بسیاری از محققان معتبر حتی در صحت و بی غرضی نوشته های «ژرژ سان» نویسنده زن فرانسوی که سالها با شوپن روابطی عاشقانه داشت تردید کرده اند. چنین می نماید که حتی بعضی از نقاشانی که از صورت شوپن در دوره حیاتش پرده ای تصویر کرده اند نیز قیافه او را در گونه ساخته باشند؛ توضیح آنکه عکسی که از شوپن در سالهای آخر عمر بوسیله دستگاه نوظهور عکاسی برداشته شده است، با وجود علائم بیماری، قیافه مردانه، مصمم و با اراده ای نشان می دهد که باحالت ظریف زنانه و احساساتی نقاشی های موجود چندان شباهتی ندارد... از خلال «بیوگرافی» های شوپن غالباً قیافه مغموم و محزون و ازوی بندهن می آید حال آنکه همه معاصران و آشنایان شوپن از او چون مردی بذله گو، خوش مشرب و مجلس آرا یاد کرده اند...

افسانه دروغینی که درباره شوپن آراسته اند در طرز اجرای آثار او نیز مؤثر افتاده است: بسیاری از نوازندگان پیانو می کوشند که با آثار او لحن احساساتی و زنانه و غمزده ای بیخشند تا، بگمان خود، گویای زندگی دردناک و پررنج او باشد... در این مورد تغییر و تحریف اصل آثار او را نیز روا می دارند. حال آنکه حزن و اندوهی که گاه در آثار شوپن موج می زند هیچگاه بعد رقت و تلخکامی نمی رسد و گوئی پیوسته اراده ای آهنین آنرا از زاری و استغاثه باز می دارد. راست است که شوپن در دوره رمانتیک می زیست - یعنی در دوره ای که آهنگسازان بیش از همه چیز به بیان احساسات و عوالم شخصی و درونی خود توجه داشتند و می کوشیدند که در این راه خود را از قید و نفوذ ذهن و ادراک رها سازند، ولی در آثار او، برخلاف بسیاری



از آهنگسازان رمانتیک ، بیان احساس هیچگاه بعد افراط وابتدال فنی -  
گراید و در همه حال بین ادراک و احساس تعادلی منطقی برقرار است . برای  
تأیید این معنی توجه بدین نکته ضرورت دارد که فورم و قالب ساختمان آثار  
شوین چنان متعادل و سنجیده و منطقی و باصطلاح « اندیشیده » است که می-  
توان گفت بعد کمال دست یافته است . از این لحاظ شوین را حقاً هنرمندی  
کلاسیک باید شمرد .

ینا بر مدارک و شواهدی مسلم ، شوین تقریباً سرتاسر عمر خود را در  
ناز و نعمت بسر برد ، پیوسته شمع بزم مجالس اشرافی بود ، هرگز با فقر  
و مذلت روبرو نگشت ، و با وجود بیماری و جلای وطن ، همواره مردی زنده  
دل باقی ماند و هیچگاه از لذات و خوشی های دنیوی روی بر تافت و محروم  
نماند . اما اگر داستان خیالی شوین مسلول و تیره بخت و ناکام را  
حقیقت پنداریم بناچار اذعان باید کرد که شوین ، مثل اغلب آهنگسازان  
کلاسیک ، زندگی شخصی و خصوصی خود را بقدر مقدور در آثارش راه نداده  
و از بیان عوامل نهانی خود شرم داشته است ...

ولی جنبه های باصطلاح کلاسیک شخصیت شوین نبایستی موجب شود  
که هنر و آثار او را یکسره تقلیدی از پیشینیان بشماریم و یا بر پایه اصول و  
مقررات فنی و هنری زمان او بنیان گذاریم . آثار او از لحاظ تازگی و بدعت  
چنان غنی و بارور است که در تاریخ موسیقی کمتر سابقه دارد . در این مورد  
متأسفانه حق مطلب آنچنانکه باید ادا نگشته است . بدون اینکه با اصطلاحات  
فنی متوسل شویم تذکر این نکته ضرورت دارد که عوامل سه گانه سبک  
خاص او - یعنی ملودی ، آرمونی و وزن (ریتم) - تازگیهای بسیار جسورانه  
و گاه انقلابی در بردارد . از لحاظ « آرمونی » ، یعنی علم ترکیب اصوات ،  
شوین برای نخستین بار تمهیدات جسورانه ای بکار برده است که در زمان او  
کاملاً بی سابقه بود .

از لحاظ « ملودی » آثار شوین ، با وجود بستگی که گاه با ترانه های  
عامیانه و محلی لهستان دارد ، دارای اصالت و همچنین طراوتیست که شاید  
بی نظیر باشد . « آرایش » ( Ornamentation ) و « دگرگونی »  
( Variation ) و روانی ملودیهای او از جمله استادانه ترین مظاهر و



خصوصیات هنر شوپن بشمار می تواند آمد . استحکام استخوان بندی و ژنی (ریتمیک) آثار او نیز حاوی نکته های بدیعی است که از نظر فنی در خور مطالعه می نماید .

تقریباً همه آثار شوپن برای ساز پیانو نوشته شده است . از طرف دیگر شوپن یکی از مبتکران سبک خاص پیانو بشمار می رود . وی امکانات فنی و حدود ساز پیانورا بی بهترین وجهی جلوه گر ساخته است . آثار وی با



خصوصیات و رنگ خاص پیانو چنان رابطه ناگسستنی دارد که هر گاه برخی از قطعات او برای ارکستر یا ساز دیگری تنظیم می‌یابد بسیاری از اصالت و خصوصیات خود را یکباره از دست می‌دهد. شیوه خاص نویسنده شوپن برای پیانو در کلیه آهنگسازان پس از او مؤثر بوده است، و تمهیدات و ترکیبات فنی او نیز از این لحاظ تا کنون تازگی دارد.

اجرای آثار شوپن بر روی پیانو البته مستلزم داشتن قدرت فنی وسیع و پرمایه‌ای است. اما مشکلات فنی نواختن آثار او هرگز جنبه هنرنمایی و «آکروباسی» فنی نمی‌یابد. در آثار آهنگسازان دیگری که برای ساز پیانو قطعاتی نوشته‌اند، و منجمله «لیست»، غالباً گذرهای مشکلی می‌توان یافت که از لحاظ مفهوم کلی قطعه مورد نظر علت وجودی و تأثیری ندارند، و بیشتر جنبه‌های تزئینی دارند و قدرت فنی نوازنده را جلوه گر می‌سازند. اما در آثار شوپن هیچ‌کس صعب‌الاجرائی نمی‌توان یافت که مفهومی خاص و اجتناب‌ناپذیر نداشته و مبین حالت و نیت و رسالتی نباشد. اما متأسفانه بسیاری از اجراکنندگان آثار شوپن از این نکته غافل مانده‌اند. بسیاری از نوازندگان مشهور پیانو برای آنکه قدرت و زبردستی فنی خود را بنمایانند، بقطعات شوپن جلا و درخشش و جنب و جوشی می‌بخشند که غالباً مفهوم و حالت اصلی آنها را یکسره دگرگونه می‌سازد. بقول «آندره ژید» ادیب مشهور فرانسوی که مصنف کتاب کوچکی درباره شوپن است، اینان بجای روح و اندیشه، انگشتان و وزیده خود را بکار می‌اندازند، و بجای اینکه پیام شوپن را اجرا کنند و بنمایانند بخودنمایی می‌پردازند.

از جمله موارد دیگری که سوء تفاهماتی درباره شوپن پدید آورده است عناوین و داستانهای بی‌پایه‌ای است که ببرخی از قطعات آثار او نسبت داده‌اند. شوپن برخلاف بسیاری از آهنگسازان معاصر خود، هیچگاه در آثار خود داستان یا منظره و یا مضمون خاصی توصیف نکرده است. عناوین قطعات ساخته او، از قبیل «پرلود»، «اتود»، «پولونز»، «سکر تزو» و غیره، همه عناوینی انتزاعی است که فقط از لحاظ فورم و ساختمان فنی مفهومی دارد. عناوینی چون «پرلود قطره‌های باران»، «یا والس سگ کوچک»، «یا اتود اندوه» («تریستس»)، «یا والس وداع» همه ساخته و پرداخته سوداگرانی خیالباف است و غالباً طرز اجرای صحیح آن قطعات را مسخ می‌کند و

دگر گونه می سازد.

آقای ملک اصلانیان که امروز برنامه‌ای متشکل از آثار شوپن اجرا خواهد نمود، موسیقی‌دان جامع و کاملیست که چهره واقعی شوپن را نیک می‌شناسد و افسانه دروغین او را باور ندارد... دید و طرز اجرای او در مورد آثار شوپن چنان نیست که باخیال‌بافی و لطیفه‌گویی بیپوده سازگار باشد. قطعاتی که برای این برنامه انتخاب شده از جمله پرمغزترین و ارزنده‌ترین ساخته‌های شوپن بشمار می‌رود و شاید از همینرو نسبتاً کمتر شهرت داشته باشد...

همچنانکه عرض کردم امید من همه آنست که بدینگونه در این مجلس، بجای قیافه احساساتی و رنجور و اندوهگینی که با آن انس گرفته‌ایم چهره واقعی مردی عرضه گردد که هنری نو آورد که لحنی مردانه داشت و هرگز بابتدال آلوده نگشت...  
زیرا که شوپن چنین بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی